



فصلنامه‌ی اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)



صفحه‌ی اصلی وب سایت مجله: www.jqe.scu.ac.ir

شاپا الکترونیکی: ۴۲۷۱-۲۷۱۷

شاپا چاپی: ۵۸۵۰-۲۰۰۸

بررسی تأثیر دموکراسی بر رابطه رشد اقتصادی با نابرابری درآمدی در ایران

محدثه حسینی*، محمد طاهر احمدی شادمهری** و محمد جواد گرجی پور*
*کارشناس ارشد علوم اقتصادی، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
ایمیل: smh.eco1370@gmail.com

**دانشیار اقتصاد، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)
ایمیل: shadmhri@um.ac.ir
[0000-0003-2860-2866](https://orcid.org/0000-0003-2860-2866)

آدرس پستی: مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، کد پستی: ۹۱۷۷۹۴۱۹۵
***دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
ایمیل: javad.gorzjpor@gmail.com

اطلاعات مقاله	طبقه‌بندی JEL	واژگان کلیدی
تاریخ دریافت: ۸ فروردین ۱۳۹۸ تاریخ بازنگری: ۱۱ شهریور ۱۳۹۹ تاریخ پذیرش: ۱۱ دی ۱۳۹۹ انتشار آنلاین: از تاریخ ۱۱ دی ۱۳۹۹	O40، P16	اقتصاد سیاسی، فرضیه کوزنتس، رشد اقتصادی، نابرابری درآمدی، دموکراسی

قدردانی: از تمامی افراد و موسساتی که در انجام این تحقیق مولف را مساعدت نمودند، قدردانی می‌شود.
تضاد منافع: نویسنده مقاله اعلام می‌کند که در انتشار مقاله ارائه شده تضاد منافی وجود ندارد.
منابع مالی: نویسنده‌ها هیچگونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ارجاع به مقاله:

حسینی، محدثه، احمدی شادمهری، محمد طاهر و گرجی پور، محمد جواد. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر دموکراسی بر رابطه رشد اقتصادی با نابرابری درآمدی در ایران. فصلنامه‌ی اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)، ۱۸(۱)، ۱-۱۶.

doi [10.22055/jqe.2020.29003.2058](https://doi.org/10.22055/jqe.2020.29003.2058)



چکیده گسترده

معرفی:

کاهش نابرابری، تعدیل درآمدها و مسائل بازتوزیع هنگامی که همراه با رشد اقتصادی در نظر گرفته می‌شود به بزرگترین هدف اقتصاد توسعه و دشوارترین وظیفه سیاست‌گذاران تبدیل می‌شود. زیرا حصول به نرخ رشدهای بالا علاوه بر اینکه دشواری‌های خاص خود را دارد این نگرانی را نیز به همراه می‌آورد که فراهم آوردن رشد شتابان ممکن است موجب بروز نابسامانی‌هایی در توزیع درآمد شود. بنابراین تبیین رابطه علی بین رشد و توزیع درآمد و نحوه مشخص شدن ارتباط بین این دو متغیر و سپس اعمال سیاست‌های بهینه رشد و توزیع اهمیت ویژه‌ای دارد. مطالعات فراوانی در جوامع مختلف در این زمینه انجام شده است که عمدتاً بر اساس فرضیه «رشد و توزیع درآمد» کوزنتس (۱۹۵۵) است. کوزنتس، در مطالعات خود یک رابطه سهمی شکل بین درآمد سرانه و نابرابری درآمد مشاهده و رابطه مزبور را به این صورت تبیین کرد: در مراحل توسعه اقتصادی، پایین‌ترین و بالاترین مقادیر درآمد سرانه با نابرابری اندک و مقادیر میانی درآمد سرانه، با درجات بیشتری از نابرابری متناظر است. وی با استفاده از آمار و اطلاعات سه کشور انگلیس، آلمان و ایالات متحده آمریکا، به تخمین تجربی تأثیر رشد اقتصادی بر توزیع درآمد پرداخت و مشاهده کرد که نابرابری توزیع درآمد طی اولین مراحل رشد اقتصادی رو به افزایش می‌گذارد و سپس، هم‌تراز می‌شود و بالاخره طی مراحل نهایی رشد اقتصادی، کاهش می‌یابد. اما نتایج حاصل از مطالعات تجربی نشان می‌دهد که فرضیه کوزنتس همواره مورد تأیید نبوده و نحوه ارتباط بین رشد اقتصادی و نابرابری درآمدی از قبل قابل پیش‌بینی نیست و بسته به اینکه این موضوع برای کدام کشور (یا گروه کشورها) بررسی شود رابطه مثبت، منفی، بی‌معنی و یا غیرخطی حاصل خواهد شد.

به همین دلیل در میان برخی از اقتصاددانان به ویژه از اوایل دهه ۱۹۹۰ به بعد، نگرشی نوین به موضوع رشد اقتصادی و نابرابری درآمد در اقتصاد کلان ظهور کرده است. نگرش‌هایی که عمدتاً معتقدند بر خلاف نظر کوزنتس که فقط عوامل اقتصادی را در تبیین این رابطه مد نظر قرار می‌داد، نحوه ارتباط این دو عنصر درون‌زاست و علاوه بر عوامل اقتصادی، تابعی از عوامل اجتماعی و سیاسی نیز هست در نتیجه از تحولات سیاسی و نهادی جوامع متأثر می‌شود. از همین رو محققان به دنبال متغیرهایی هستند که درک جامع‌تری از الگوهای رشد و نابرابری درآمدی را به دست بدهد و در عین حال بتواند رشد اقتصادی و توزیع درآمد را به صورت هم‌زمان محقق نماید. در همین راستا، هدف این مقاله، بررسی تأثیر دموکراسی بر رابطه بین رشد اقتصادی با نابرابری درآمدی در ایران است. به صورت نظری این انتظار وجود دارد که برقراری فرهنگ دموکراتیک در جامعه علاوه بر فراهم آوردن شرایط مناسب برای انجام فعالیت‌های مولد اقتصادی، سبب می‌شود که نابرابری‌های درآمدی و تضاد طبقاتی از طریق فرآیند مشارکت عمومی و نیز گسترش عدالت همه‌جانبه در سایه دموکراسی کاسته شود. اما در واقع در این مورد هیچ ارتباط مشخص و صریحی وجود ندارد و تأثیر دموکراسی بر متغیرهای اقتصادی تا حدود زیادی بستگی به توزیع بالفعل قدرت دارد. نخبگان سیاسی می‌توانند در برخی شرایط خاص که دموکراسی قدرت قانونی آنها را تهدید کند، سرمایه‌گذاری بر قدرت واقعی را (از طریق کنترل بازیگران محلی، بسیج نیروهای نظامی غیردولتی، لابی‌های سیاسی و دیگر ابزارهای ناقض نظام حزبی) افزایش دهند تا کنترل فرآیندهای قانونی امکان‌پذیر شود. طبیعی است که در چنین فضایی، دموکراسی تأثیر چندانی روی بازتوزیع ثروت و کاهش نابرابری و رشد اقتصادی نخواهد داشت. در کنار این امر، ممکن است فرآیند دموکراسی از طریق نهادهایی چون قانون اساسی، احزاب سیاسی محافظه‌کار، قضات، تهدید واقعی کودتا و حتی فرار گسترده مالیاتی محدود شده و در نتیجه تأثیرات اقتصادی آن نیز کمرنگ شود. بنابراین رابطه دقیقی بین دموکراسی و متغیرهای رشد و نابرابری وجود ندارد اما این به این معنی نیست که اساساً هر نوع رابطه‌ای منتفی است بلکه این امر، به احتمال بسیار ناشی از روابط پیچیده و متفاوت دموکراسی و متغیرهای اقتصادی است که توجه و دقت نظر بیشتری را در انجام این مقاله می‌طلبد.

تبیین نظری ارتباط متقابل بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد می‌تواند پاسخ‌گوی یکی از پرسش‌های اساسی و بنیادین برنامه‌ریزان اقتصادی، به ویژه در کشورهای در حال توسعه باشد. زیرا کشورهای مزبور، همواره از سطح پایین درآمد سرانه و نیز گستردگی شکاف‌های درآمدی در رنج بوده‌اند. شاید بتوان گفت، ریشه‌کن کردن فقر و تعدیل نابرابری درآمد، وقتی همراه با رشد اقتصادی و اصلاحات نهادی و سیاسی در نظر گرفته شود، به بزرگ‌ترین هدف و دشوارترین وظیفه سیاست‌گذاران اقتصادی در کشورهای در حال توسعه تبدیل می‌شود. در مورد کشوری مانند ایران نیز طبعاً چگونگی فرآیند توسعه می‌تواند در نوع ارتباط بین رشد و توزیع درآمد موثر باشد. به همین دلیل در این مقاله، تأثیر دموکراسی به عنوان یک متغیر سیاسی بر نحوه این ارتباط بررسی می‌شود تا تأثیر گسترش نهادهای دموکراتیک بر مشکلات مربوط به ناهماهنگی رشد اقتصادی با نابرابری درآمدی به طور هم‌زمان و نه با کنار گذاشتن یکی به نفع دیگری روشن شود.

متدولوژی:

این تحقیق از نوع علی است و داده‌ها به صورت کتابخانه ای (عموم اطلاعات و داده های مورد نیاز از سایت بانک جهانی، آمارهای سری زمانی منتشر شده توسط مرکز آمار ایران، بانک مرکزی و گزارش‌های مربوط به پروژه پولیتی) استخراج شده‌اند. جامعه مورد مطالعه در این تحقیق، کشور ایران در سال‌های ۱۳۹۷-۱۳۵۰ است.

با توجه به ماهیت داده‌ها، برای برآورد مدل از روش خودتوضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL) استفاده شده است. به این منظور، بسته‌های نرم‌افزاری Eviews9، Microfit 4.1 و Excel مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

سامان تحقیق به گونه‌ای است که پس از بیان مقدمه، ادبیات موضوع به طور خلاصه بررسی و مدل و متغیرهای تحقیق مشخص شده‌اند. سپس برآورد مدل و آزمون‌های اقتصادسنجی لازم برای بررسی صحت و ثبات ضرایب و نتایج انجام شده و در انتها نیز به جمع بندی نتیجه‌گیری و ارائه چند پیشنهاد پرداخته‌ایم.

یافته‌ها:

براساس نتایج برآورد مدل تحقیق (اقتصاد سیاسی منحنی کوزنتس) هرچند فرضیه کوزنتس (رابطه U شکل نابرابری درآمدی و رشد اقتصادی) در ایران رد نمی‌شود اما در نظر گرفتن تأثیر نهاد سیاسی دموکراسی موجب شده است که تأثیر منفی رشد بر نابرابری کم‌تر شود، هم‌چنین ورود متغیر دموکراسی به مدل، نشان‌دهنده اثر معکوس و معنادار رشد همراه با دموکراسی بر نابرابری درآمدی است به این معنی که نابرابری حالت خود مخرب دارد و تغییرات رژیم سیاسی (گسترش مردم‌سالاری) منتج به نظام توزیع مجدد می‌شود. در واقع براساس مبانی نظری این مدل، فرضیه کوزنتس شکل می‌گیرد اما افزایش نابرابری در جامعه موجب می‌شود که توده مردم عادی که از وضع موجود ناراضی هستند اقدام به شکل‌دهی سازمان‌ها و نهادهایی در جهت احقاق حقوق خود کنند بنابراین سیاستمداران که احساس خطر می‌کنند ناچارند که برنامه‌های اصلاحی و سیاست‌های بازتوزیع را در دستور کار خود قرار دهند تا بدین ترتیب خطر کودتا و انقلاب را از خود دور نگه دارند. در نتیجه می‌توان گفت که اصلاحات سیاسی و اقدامات مردم‌سالارانه موجبات کاهش نابرابری را در کنار افزایش رشد اقتصادی فراهم می‌کند.

نتیجه:

فرضیه کوزنتس در بازه زمانی تحقیق، با درصد اطمینان بالایی پذیرفته شده است. رشد اقتصادی تأثیری فزاینده و مجذور رشد اقتصادی تأثیری کاهنده بر نابرابری درآمدی دارد و شدت این تأثیرات در بلند مدت بیشتر است. این مطلب مؤید این است که تحمل درصدی از نابرابری در جامعه جهت دستیابی به سطح مشخصی از رشد به منظور توسعه اقتصادی، اجتناب‌ناپذیر است که با افزایش سطح توسعه‌یافتگی، اثر رشد بر نابرابری معکوس شده و امکان رشد همراه با توزیع مناسب درآمد فراهم خواهد شد.

تورم دارای اثر مستقیم و معنادار بر نابرابری درآمدی است به این معنی که افزایش تورم شکاف درآمدی جامعه را وسیع‌تر می‌کند. این نتیجه با مطالعات ابونوری (۱۳۸۵) و گرجی (۱۳۸۷) هم‌خوانی دارد.

نسبت درآمدهای نفتی به تولید تأثیر مستقیم بر نابرابری درآمدی داشته است. بنابراین افزایش درآمدهای نفتی به شدت نابرابری‌ها را دامن زده است. این نتیجه با فرضیه دولت رانتیر در اقتصاد ایران هم‌خوانی دارد به طوری که گروه‌های ذی نفع با نفوذ در فرآیند بودجه‌ریزی و تخصیص منابع مالی تلاش می‌کنند سهم هرچه بیشتری از رانت‌های نفتی را به خود اختصاص دهند. لذا به نظر می‌رسد افزایش درآمدهای نفتی از طریق افزایش دسترسی به منابع ارزی خارجی و واردات بیشتر کالاهای مصرفی، زمینه را برای فعالیت‌های غیرمولد و افزایش شکاف‌های درآمدی فراهم می‌کند.

ورود شاخص دموکراسی به مدل سبب شده است که اثرات منفی رشد اقتصادی بر نابرابری تا حدود قابل قبولی کاسته شود (هر چند که فرضیه کوزنتس هم‌چنان برقرار است). براین اساس به نظر می‌رسد که از طریق ایجاد و ثبات شرایط دموکراتیک، دستیابی هم‌زمان به دو مؤلفه رشد اقتصادی و کاهش نابرابری ممکن می‌شود اما در تحلیل تجربی این نتایج لازم است این مطلب را در نظر بگیریم که ممکن است ویژگی نهاد بودن دموکراسی مانع از تأثیر فوری در این زمینه شود. ضریب کمتر این متغیر در کوتاه مدت نسبت به بلند مدت نیز مؤید این مطلب است.

لازم به ذکر است که به منظور اطمینان از صحت نتایج برآوردهای مدل اقتصادسنجی آزمون‌های برقراری فروض کلاسیک و برای بررسی ثبات مدل، آزمون‌های پسماند تجمعی و مجذور پسماند تجمعی، برای مدل تصریح شده انجام شد که نتایج آن حاکی از برقراری فروض کلاسیک و نیز ثبات مدل‌هاست. با توجه به تأثیر فزاینده رشد بر نابرابری در مراحل اولیه، این احتمال وجود دارد که پی‌گیری سیاست‌های رشد مدارانه، صرف نظر از عواقب توزیعی آن به بدتر شدن وضعیت توزیع درآمد در ایران بیانجامد. بنابراین برای دستیابی به هر دو هدف

مهم توسعه‌ای یعنی رشد اقتصادی و توزیع درآمد، لازم است که راهبردهای رشد توأم با سیاست‌های بازتوزیعی در نظر گرفته شود. هم‌چنین نظر به اثرگذاری مثبت دموکراسی در بهبود توزیع درآمد و نقش آن در کاهش اثرات منفی رشد بر نابرابری لازم است که صاحب‌نظران در برنامه‌ریزی برای توسعه فقط سیاست‌های اقتصادی را ملاک عمل قرار ندهد و در کنار این نوع سیاست‌ها سعی کنند به سیاست‌هایی همچون افزایش آزادی‌های سیاسی و فردی، حاکمیت قانون و ایجاد، تقویت و گسترش زیرساخت‌های قانونی و نهادهای دموکراتیک بپردازند تا از طریق این سیاست‌ها با فراهم آوردن شرایط بهتر در افزایش و گسترش دموکراسی، راه را برای افزایش رشد و توسعه اقتصادی در کنار بهبود توزیع درآمد هموار ساخته و موجبات توسعه همه‌جانبه جامعه را فراهم سازند.

Reference

- Abrishmi, A & Mehr ara, M & Khta bakhsh, P. (2005). Investigating the Relationship between Growth and Income Distrubtion in Iran. *Journal of Humanities and social sciences*, (17), 13-53. (in Persian)
- Abunoori, A & Khooshkar, A. (2006). The effect of macro economic indicators on income distribution in Iran;inter provincial study. *Journal of economic research*, (77), 65-95. (in Persian)
- Acemoglu, D. & Robinson J. (2002). The political economy of the Kuznets curve. *Journal of Economic knowledge perspectives*, 4(5), 247-283. (in Persian)
- Acemoglu, D. & Robinson J. (2016). *The economic roots of dictatorship and democracy*. Tehran. Kavir. (in Persian)
- Acemoglu, D. Naidu, S. Restrepo, P & Robinson James A. (2015). *Democracy, Redistribution, and Inequality*, Handbook of Income Distribution, 2(B): 1885-1966.
- Ahmadian, M & Abdoli, GH & Jabalamli, F & SHabankhah, M. (2019). [Extracting The Dynamic Curve of the Kuznets Environment](#). *Quarterly Journal of Quantitative Economics*, (16), 1-36. (in Persian)
- Ashrafee, S & Behboudi, D & Deg pasand, F.(2018). Investigating the nonlinear relationship between income inequality and economic growth in iran. *Journal of Applied theories of economic*, (3), 21-42. (in Persian)
- Brown, R.L., Durbin, J. & Evans J.M. (1975). Techniques for testing the constancy of regression relationship over time. *Journal of the Royal statistical society*, (37): 149-192.
- Bradshaw, J., & Chen, J. R. (1996). *Poverty in the UK: a comparison with nineteen other countries* (No. 147). LIS Working Paper Series.
- Farzanegan, M. R., & Krieger, T. (2019). Oil booms and inequality in Iran. *Review of Development Economics*, 23(2), 830-859.
- Feld, Lars P., Fischer, Justina A.V. & Kirchgässner Gebhard. (2010). the effect of direct democracy on income redistribution: evidence for Switzerland. *Economic inquiry*, 48 (4), 817-840.
- Gillis, P & Snowgrass ,R. (2000). economic development. Tehran, *Ney Press*. (in Persian)
- Gorjee, A. (2008). The effect of globalization on income distribution in Iran. *Quarterly Iranian Economic Research*, (34), 100-124. (in Persian)
- Hossein zadeh, H. (2018). Analysis of the effects of economic growth on income distribution in the Middle East and North Africa. *Journal of Economic research and policies*, (82), 233-260. (in Persian)
- Iniguez-Montiel, A.J., (2014). Growth with equity for the development of Mexico: poverty, inequality, and economic growth (1992–2008). *World Development*, 59(C): 313-326.
- Khoshsara, A. Nasrallah, Kh. Azarbayjani, K & Bakhshi Dastjerdi, R. (2019). Analysis of Factors Affecting Inequality in Iran in the Framework of Thomas Piketty Theories. *Journal of Economic growth and development*, (39), 29-54. (in Persian)
- Kuznets, S., (1955). *Economic growth and income inequality*. American Economic Review.

- Lee, K., Pesaran, M. & R., Smith (2013). Growth and Convergence in Multi Country Empirical Stochastic Solow Model. *Journal of Applied Econometrics*, 12(4), 357-392.
- Mahdavi Adeli, M. Mesgarani, M. GHaemi Asl, M. & Akbari, A.H. (2016). Rent, democracy and development; Determining the optimal period of formation of developmentalist institutions of natural resource management in Iran. *the fourth conference of the Iranian Islamic model of progress; Iran's progress, past, present and future.* (in Persian)
- Mazlum Khorasani, M. & Azimi Hashemi, M.(2010). Fuzzy analysis of the relationship between economic and political development and income inequalities in Iran. *Journal of Social Analysis of Order and Inequality*, (59), 27-58. (in Persian)
- Mehregan, N. Musaei, M. & Kayhani Hekmat, R.(2008). Economic growth and income distribution in Iran. *Quarterly Journal of Social Welfare*, (77), 28-57. (in Persian)
- Mousavi Jahromi, Y. Khodadad Kashi, F & Musa Pourahmadi, A. (2015). Assessing the factors affecting income inequality in society. *Iranian Economic Research*, (19), 117-147. (in Persian)
- Naji Maidani, A. (1996). *Investigating the interactions between economic growth and income distribution in Iran.* Master Thesis. Faculty of Humanities. Trabiati Modares University. (in Persian)
- Nemati, Morteza. & Raisi, Ghasem. (2015). Economic Growth and Income Inequality in Developing Countries. *International Journal of Life Sciences*, 9 (6): 79-82.
- Nilli, M & Farahbakhsh, A. (1998). The relationship between economic growth and income distribution. *Quarterly Journal of Planning and Budgeting*, (10-11), 121-154. (in Persian)
- Perron, P., (1989). The great crash, the oil price shock and the unit root hypothesis. *Econometrica*, 57: 1361-1401.
- Raza, S. A. & Shah, N. (2017). Tourism growth and income inequality: does Kuznets Curve hypothesis exist in top tourist arrival countries. *Journal Asia Pacific Journal of Tourism Research*, 22 (8), 874-884.
- Ross, M (2001). *Does Oil Hinder Democracy?*. World Politics, NO 53(3), PP 325-361
- Sahib Honar, H. & Nadri, K.(2014). Economic analysis of the effect of increasing oil revenues on revenue distribution with VAR approach. *Iran's energy economy*, (9), 115-149. (in Persian)
- www.Worldbank.Org
- Yousefi Barforoshi, A. Mehri Karnami, Y. & Zurki, Sh. (2019). The effect of exchange rate gaps and asymmetric inflation, unemployment and income inequality in Iran. *Applied theories of economics*. Online publication on the quarterly site on November 23, 2019. (in Persian)